

وَحَلَّا إِلَيْكُمْ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمِعُوا بَيْنَ

وَ حَلَائِل^۱ پسران شما که از اصلاح^۲ شما اند و آنکه جمع کنید بین

الْأُخْتَيْنِ لِلَّامَاقَلْ سَلَفَ طَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا^۳

* دو خواهر إلا آنچه درگذشت. يقیناً الله است غفور رحيم

وَ الدُّرْحَدَنَتِ مِنَ النِّسَاءِ الَّامَالَكَتِ أَيْمَانُكُمْ حَكِيدَ

وَ مَحْصَنَاتٍ^۴ از نساء إلا آنکه مالک است دستهای شما. کتاب

۱) حلائل: نکاح شده. ۲) اصلاح: پسران اصلی و نسلی. ۳) محصنات: زنان حر(آزاد) و شوهردار.

اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَأَهْلَكُمْ مَا وَرَأَءَ ذِكْرًا نَّبَغَوا بِآمُو الْكُمْ

الله برسماست.^١ و حلال شد بشما ماورآء آن تا دریافت کنید با اموال خود

حُصِّنِينَ غَيْرِ مُسَافِحِينَ فَمَا أَسْتَمْعَتُمُوهُنَّ مِنْهُنَّ

محصنین را غير مسافحین.^٢ چون مستفید میشوید برآن(نکاح) از آنها

فَإِنْ وُهُنَّ أُجُورٌ هُنَّ فِرِيضَةٌ وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمُوهُ

پس بدھید اجور آنها را فرضیه.^٣ و نیست گناه برسما آنچه رضایت دارید

١) امر الله است بر شما. ٢) محصنین غير مسافحین: برای ساختن خانواده مستحکم نه برای فحاشی. ٣) فرضیه: چنانکه فرض شده

لِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْهَا حَكِيمًا ۝ وَمَنْ

برآن از بعد ادای فریضه. یقیناً الله است علیم حکیم * و هر که

لَمْ يُسْتَطِعْ مِنْكُمْ طُوْلًا أَنْ يَنْكِحَهُ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَإِنْ

ندارد استطاعت، از شما، وسیله که کند نکاح محسنات مؤمنات را، پس از

مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَمِنْ فَتَيَّتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَنْكِحُ

آنکه مالک است دستهای شما از کنیزان و الله دارد علم برایمان شما.^۱ و مئنه.

(۱) نکاح کنیزان باعث آزادی آنها میشود.

بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَإِنِّي حُوْهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَأُتُوهُنَّ

بعضی شمایید از بعضی. کنید نکاح آنها را به اذن اهل آنها و بدھید به آنها

أَجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسْفَحَاتٍ وَلَا مُتَخَذَاتٍ

اجور آنها را طور معروف، محسنات غیر مسافحات و نه اخذ شده

أَخْدَانٍ فَإِذَا أُحْصِنَ فَإِنْ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ

بهوس رانی. وقتی شدند محسن باز اگر یافتید آنها را بفحاشی باز برای آنهاست

نِصْفٌ مَا عَلَى الْمُحْسَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ

نصف آنچه بر محسنات از عذاب. این برای آنکه میترسد

الْعَذَابَ هُنَّكُمْ وَأَنْ تَصِيرُوا خَيْرًا كُمْ وَاللهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ٢٥

* از لعنت از جمله شما. و اگر صبر کنید بهتر است بشما. و الله است غفور رحيم

يُرِيدُ اللَّهُ لِيُبَيِّنَ لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ سُنَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ

دارد اراده الله تاکند بیان بشما و کند هدایت بشما کسان سن از قبل شمارا

وَيَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَاللهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ^{٣٤} وَاللهُ يُرِيدُ أَنْ يَنْهَا

وشود تواب برشما. والله است عليم حكيم * و الله دارد اراده که شود تواب

عَلَيْكُمْ وَيُرِيدُ الَّذِينَ يَتَبَعُونَ الشَّهَوَاتِ أَنْ تَنْهَا مُلْأًا

برشما. و دارند اراده کسان شهوات تابع کنيد تمایل بمیل

عَظِيمًا^{٣٧} يُرِيدُ اللهُ أَنْ يَخْفِفَ عَنْكُمْ وَخَلِقَ الْإِنْسَانَ

عظيم * دارد اراده الله که کند تخفیف برشما. و خلق شده انسان

ضَعِيفًا ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ امْتُوْا لَا تَأْكُلُوا آمْوَالَ كُنْدُرٍ بَيْنَكُمْ

ضعيف * يا اي کسان با ايمان نه خوريد اموال خود را بين خود

بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ وَ

به باطل الا که باشد تجارى بر رضايت شما. و

لَا تَقْتُلُوا أَنفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَّحِيمًا ۝ وَمَنْ يَفْعَلُ

نکنید قتل نفسهاي خودرا. يقيناً الله است بر شما رحيم * و هر که بکند

ذَلِكَ عُدُوٌّ وَأَنَّا وَظُلْمٌ أَفَسُوفٌ نُصْلِيُّونَا رَأًاطَّ وَكَانَ ذَلِكَ

چنین بعداوت و ظلم بزودی میکنیم وصل اورا باتش. و هست این

عَلَى اللَّهِ يَسِيرًاٖ إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرُ

بر الله آسان * اگر اجتناب کنید کبائر^۱ که منع شدید از آن کنیم کفاره

عَذَّلْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُذْخِلُكُمْ مُذْخَلًا كَرِيمًاٖ وَلَا تَكُونُوا

از شما گناهان شمارا و کنیم داخل شمارا بدخل کریم * و نکنید تمنا

۱) کبائر: گناهان کبیره.

مَا فَضَلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضًا كُمْ عَلَى بَعْضٍ طَلِيلًا نَصِيبٌ

آنچه فضیلت داده الله باان بعضی شمارا بر بعضی. برای مردان نصیب میشود

مِمَّا أَكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا أَكْتَسَبْنَاهُ وَسُئِلُوا اللَّهُ

از آنچه کسب میکنند. و برای نساء نصیب میشود آنچه کسب میکنند. و سوال کنید الله را

مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ يَعْلَمُ شَيْءاً عَلَيْهَا ۚ وَلِكُلِّ جَعْلٍ

از فضل او. یقیناً الله است بر کل شيء * و برای کل ساختیم

مَوَالِيٌّ مِنْهَا تَرَكَ الْوَالِدُونَ وَالْأَقْرَبُونَ طَوَّالَ الذِّينَ عَقَدَتْ أَيْمَانُكُمْ

موالی^١ از آنچه ترك کنند والدين و اقارب. وبه آنانکه عقد کردید پیمانی

فَأَنُوْهُمْ نَصِيبُهُمْ مُطْلَقٌ اللَّهُ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا^٢

* بدهید بآنها نصیب آنها را. یقیناً الله است بر کل شيء شهید

الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَىٰ النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمُ عَلَىٰ

رجال اند مسلط بر نساء چون فضل داده الله بعضی آنها را بر

١) موالي: وارثان.

بَعْضٌ وَّبِمَا أَنفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصِّلَاةُ قِدْرُتُ حِفْظُهُ

بعضی و چون انفاق میکنند از اموال خود. زنان صالح اند فرمان بر حافظ

لِلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَالَّتِي تَخَافُونَ شُوْرَاهُنَّ فَعِظُوهُنَّ

در غیاب آنچه حفظ کرد الله. وزنانیکه دارید خوف کج روی از آنها کنید و عظم آنها را

وَاهْجِرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطْعَنْكُمْ فَلَا تَنْبِغُوا

و هجر کنید از آنها از خوابگاه و بزنید آنها. اگر اطاعت کردند بشما نکنید سراغ

عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا لَئِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْهَا كَبِيرًا^{٣٤} وَإِنْ خِفْتُمُ شِقَاقَ

عليه آنها سبیلی. یقیناً الله هست علی کبیر * و اگر دارید خوف انشقاق

بَيْنَهُمَا فَابْعُثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ

بین آنها باز بیاورید حکمی از اهل مرد و حکمی از اهل زن. اگر

يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا لَئِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْهِمَا خَيْرًا^{٣٥}

دارند اراده اصلاح، میاردم موافقت الله بین آنها. یقیناً الله هست علیم خبیر *

وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْعًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا

و عبادت كنيد الله را و نكنيد شريك باو هيق شبيء را و با والدين احسان کنيد

وَبِذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَى

و با اقارب و يتيمان و مساكين و همسايه با قربات

وَالْجَارِ الْجَنْبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنْبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ

و همسايه پهلو و دوست سبيل و ابن سبيل و آنکه بملکیت

أَيُّهَا الْكُفَّارُ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ فَخْتَالًا فَخُورًا^{٣٦} إِنَّ اللَّذِينَ

دستان شماست. یقیناً الله ندارد حب به آنکه هست مختال^۱ فاخر * که

يَنْخَلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا أَتَمُّ

میکنند بخل و میکنند امر مردم را به بخل و میکنند پنهان آنچه داده آنها را

الَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَأَعْتَدَ لِنَا لِكُلِّ كُفَّارٍ عَذَابًا أَمَّا مَنْ^{۳۷}

الله از فضل خود. و آماده کردیم عذاب ذلیل را *

۱) مختال: متکبر، مغورو، خودپسند، خودسر، از خود راضی

وَالَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِغَاءً التَّالِسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ

و آنانکه میکنند اتفاق اموال خودرا به ریاء کاری مردم و ندارند ایمان

بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَكُنْ شَيْطَانًا لَهُ قَرِيبًا

به الله و نه بر یوم آخرت. و هر که را هست شیطان باو قرینش

فَسَاءَ قَرِيبًا^{٣٨} وَمَا ذَا عَلَيْهِمْ لَوْ أَمْنَوْا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ

بس بد قرین دارد * و چه (نیک) بودی بر آنها اگر ایمان میآوردند به الله و یوم آخرت

وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقَهُ اللَّهُ وَكَانَ اللَّهُ بِهِمْ عَلِيمًا ۝ إِنَّ اللَّهَ

و انفاق ميکردن از آنچه رزق داده آنها را الله. و هست الله برآنها علیم * يقیناً الله

لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَإِنْ تَكُ حَسَنَةٌ لَّيُضْعِفُهَا وَلَا يُؤْتِ

نکند ظلم بمثقال ذره. و اگر باشد حسنة میکند مضاعف آنرا و میدهد

مِنْ لَدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا ۝ فَكَيْفَ يَعْلَمُ إِذَا أَحْتَنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ

از لدن^١ اجر عظيم * پس چطور وقتی بیاریم از کل امتها

(١) لدن: از جانب الله (لدنی)

لِشَهِيدٍ وَجِئْنَاكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا٤١ يُؤْمِنُ يَوْمُ الدِّينَ

شهیدی و بیاریم ترا بر اینها آنروز خواهد کسان شهیدی.

كُفَرُوا وَعَصَوُا الرَّسُولَ لَوْتُسُؤْيٰ يَهُمُ الْأَرْضُ وَلَا يَكُنُونَ

کافر و عاصی از رسول کاش شود هموار برآنها زمین. و نتوانند پنهان

اللَّهُ حَدَّيْشًا٤٢ يَا يَهُهَا الَّذِينَ أَمْنَوْا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ

از الله حدیشی * یاای کسان با ایمان نشوید قریب به صلات چو باشد

سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جِنْبًا إِلَّا عَابِرٌ سَبِيلٌ

حال سُكر^١ تاكه بفهميد آنچه ميگوئيد و نه در جنابت^٢ إلا به عابر سبيل،

حَتَّى تَغْتَسِلُوا وَإِن كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ

تاكه غسل کردید. و اگر باشيد مريض يا بر سفر يا بيايد يکي

مِنْكُمْ مِنَ الْغَایِطِ أَوْ لِسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً

شما از غایط جا يا لمس کرده باشيد نساء را آب، باز نيايد شما

(١) سکر: نشوه. (٢) جنوب: کناره (کناره ازنماز عبادت وغیره) (جنوب: پهلو، کنار)

فَتَبَّعَهُمْ وَأَصَعِدَهُمْ أَطْيَبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَآيُّدِيهِكُمْ إِنَّ

کنید تیمم باخاک پاک کنید مسح روهای خود را و دستهای خود را. یقیناً

اللَّهُ كَانَ عَفُوًّا أَغْفُورًا ۝ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبَهَا

الله است عفو کننده غفور * آیا نکردی نظر به آنانکه داده شده اند نصیبه

مِنَ الْكِتَابِ يَكْثُرُونَ الضَّلَالَةَ وَيُرِيدُونَ أَنْ تَضَلُّوا

از کتاب، می خرند گمراهی را و دارند اراده که کنید گم

السَّبِيلُ ۚ وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِآئِكُمُ وَ كَفَىٰ بِاللَّهِ وَ لِيَا قَوْ

سبيل را. * و الله دارد علم بر دشمنان شما. و کافي باشد الله وليه و

كَفَىٰ بِاللَّهِ نَصِيرًا ۚ مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ

کافي باشد الله نصيري * از کسان یهود دهنده تحریف کلمه را

عَنْ مَوَاضِعِهِ وَ يَقُولُونَ سَمِعْنَا وَ عَصَبْنَا وَ اسْمَعْغَيْرُ

از موضع آن و میگویند شنیدیم و عصيان میکنیم و بشنو غیر

مُسَمِّعٍ وَرَأِيْنَا لَبَّا يَأْكُلُونَهُمْ وَطَعْنًا فِي الدِّينِ طَوْلُ

سمع و راعنا،^۱ کج کنان با لسانهای خود و طعن زنان به دین. و اگر

أَنْهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَأَطْعَنَا وَاسْمَعْ وَانْظُرْنَا لَكَانَ خَيْرًا

آنها میگفتند میشنویم و اطاعت میکنیم و بشنو و نظر کن بر ما میبود خیر

لَهُمْ وَأَقْوَمُ لَوْلَكِنْ لَعْنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ

برای آنها و قویم تر و لاکن لعنت کرد بر آنها الله به نسبت کفر آنها پس نمیآوردند ایمان

۱) غیر مسمع: دو تعبیر دارد "نرسد بد بگوشت" یا "نمی توانی شنیده" رائنا: نظر کن بما. راعنا: چوپان ما

إِلَّا قَلِيلًاٖ ٤٦ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَبَ إِنَّمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا

إِلَّا قَلِيلٌ * يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آتَيْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْبِسَ وُجُوهَهَا فَنَزَّلْنَا عَلَى آدَمَ

لِهَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْبِسَ وُجُوهَهَا فَنَزَّلْنَا عَلَى آدَمَ

آنچه نزد شماست از قبل آنکه کنیم محو روها را و بگردانیم آنرا بر پشت آن

أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبْتِ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًاٖ ٤٧

* يا کنیم لعنت برآن چنانکه لعنت کردیم براصحاب سبت^۱. و هست امر الله فاعل شدنی *

(۱) اصحاب سبت: پیروان روز شنبه.

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرِكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ

يَقِينًا اللَّهُ نَكَنَدَ مَغْفِرَةً كَهْ شَوْدَ شَرَكَ بَهْ اوْ وَ كَنَدَ مَغْفِرَتَ ما دُونَ آنَرا بَهْرَ كَهْ

يُشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكُ بِاللَّهِ فَقَدِ افْتَرَى إِنَّمَا عَظِيمًا ۝ الْحُمْرَ

خواهد. وَ هَرَكَهْ كَنَدَ شَرَكَ بَا اللَّهِ الْبَتَهْ افْتَرَا كَرَدَ گَنَاهْ عَظِيمَيِّيْ ۝ آيَانَهْ

تَرَى الَّذِينَ يُرَزَّكُونَ أَنفُسَهُمْ بَلِ اللَّهُ يُرَزِّكُ مَنْ يُشَاءُ وَ

دَيْدَى بَهْ آنَانَكَهْ مِيَكَشِنَدَ پَاكَ نَفَسَهَايَ خَوَدَ رَا. بَلَكَهْ اللَّهُ مِيَكَنَدَ پَاكَ هَرَكَرَا خَوَهَدَ وَ

لَا يُظْلِمُونَ فَتِيلًا٤٩ أَنْظُرْ كَيْفَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ

نشود ظلم بر آنها بقدر فتیله * بکن نظر چگونه میکنند افتراء بر الله دروغ.

وَكَفَى بِهِ إِثْمًا مُّبِينًا٥٠ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أَوْتُوا نَصِيبَهَا

و کافیست برایش همین گناه آشکار * آیا ندیدی بسوی کسانیکه داده شدند نصیبه ای

مِنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْجُبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَيَقُولُونَ لِلَّذِينَ

از کتاب، دارند ایمان بر جبت و طاغوت^۱ و گویند راجع به

۱) جبت و طاغوت: جادو و قوای شیطانی.

كُفُّرٌ وَّاهُؤُلَاءِ آهُدُى مِنَ الَّذِينَ امْنُوا سَيِّلًا ۝ أُولَئِكَ

کافران، آینها بس هدایت شده اند از کسان با ایمان برسبیل * آنها اند

الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَمَنْ يَلْعَنَ اللَّهُ فَلَنْ تَجْدَ لَهُ نَصِيرًا ۝

* کسانیکه لunct کرده برآنها الله. و هر کرا کند لunct الله، نمی یابد بخود نصیری.

أَمْ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّنَ الْمُكَلَّفِ إِذَا لَأْوَتُونَ النَّاسَ نَقِيرًا ۝

* گر باشد آنها را نصیبه ای از پادشاهی انگاه نقیری

۱) نقیری: آنچه در فرو رفتگی خسته خرما میگنجد - چیزی بی اهمیت و بی قیمت.

أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا أَتَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ

بلکه کند حسد با مردم بر آنچه داده آنها را الله از فضل خود. البته

أَتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَبَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ فِلْكًا عَظِيمًا^{٥٤}

*دادیم آل ابراهیم را کتاب و حکمت و دادیم آنها را پادشاهی عظیم

فَهُنُّهُمُ مَنْ أَمَنَ بِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ صَدَّ عَنْهُ وَكَفَى بِمَجْهَدِهِ

از آنهاست آنکه ایمان دارد بر آن و از آنهاست آنکه باز میدارند از آن. و کافی باشد جهنم

سَعِيرًا٥٥ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سُوفَ نُصْلِيهِمْ نَارًا أَكْلَمًا

سوزان * یقیناً آنرا که کافرند به آیات ما، زودکنیم وصل آنها را با آتش. هر بار

نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَلَّ لَنْهُمْ جُلُودًا غَيْرَ هَالِيْنَ وَقُوَّالْعَذَابِ

بسوزد جلد های آنها بدل کنیم جلد های آنها بدیگری تا ذائقه کنند عذاب را.

إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا٥٦ وَالَّذِينَ امْنَوْا وَعَمِلُوا الصِّلَاتِ

یقیناً الله است عزیز حکیم * و کسان با ایمان و اعمال صالح را

سَنُّ خَلْمٌ جَثٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْصُرُ خَلِدٌ بَنَ فِيهَا

زود کنیم داخل آنهارا بجنات، دارد جریان از تحت آن آنهار، خلد میکنند آنجا

آبَدَ أَطْلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَنُّخَلْمٌ ظِلَّاً ظَلِيلًا^{٥٢}

برای ابد. آنهار است آنجا ازواج مطهر و کنیم داخل آنهار بسايه ها*

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤْذِنُوا لِامْنَاتِ إِلَى أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ

یقیناً الله کند امر شمارا که بدھید امانتها را به اهل آن و هرگاه حکم کنید

(۱) سایه سایه ها: سایه خداوند.

بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعُدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعْظِمُ مِنْهُ طَهْرٌ

بيـن مـردم بـكـنـيد حـكم بـعـدـل . يـقـيـناً اللـهـ بـنـعـمـتـ كـنـدـ وـعـظـ بـشـما هـرـچـهـ.

إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اطِّبِعُوا اللَّهَ

يـقـيـناً اللـهـ اـسـتـ شـنـوـایـ بـصـيـرـ * يـاـ ايـ کـسانـ باـ اـيمـانـ اـطـاعـتـ کـنـيدـ بـهـ اللـهـ

وَأَطِّبِعُوا الرَّسُولَ وَأُولَئِكُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّ تَنَازَعْتُمْ فِي

وـ اـطـاعـتـ کـنـيدـ بـهـ رـسـوـلـ وـ بـصـاحـبـانـ اـمـرـ اـزـ جـملـهـ خـودـ . وـ اـگـرـ تـنـازـعـ دـاشـتـیدـ درـ

شَيْءٌ فِرْدُودٌ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ

شيء، بسپارید آنرا به الله و رسول اگر هستید ایماندار به الله

وَالْيَوْمُ الْآخِرُ ذُلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا^{٥٩} أَكْمَرَ إِلَى

و يوم آخرت. اینست بهتر و احسن انجامی * آیا نکردی نظر به

الَّذِينَ يَرْعَمُونَ أَنَّهُمْ أَمْنُوا بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ

آنکه دارند زعم^۱ که آنها دارند ایمان برآنچه شد نازل برتو و آنچه شد نازل از

۱) زعم: پنداشت، گمان، عقیده، فکر، خیال، تصور.

قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوكُمْ إِلَيَّ الظَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا

قبل تو، دارند اراده که کنندمحاکمه بر طاغوت و البته شدند امر

أَنْ يَكُفُّرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضْلِلَهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا ⑥٠

که شوند منکر از آن. و دارد اراده شیطان که کند گمراه آنها را بضلالت بعید *

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ

وچون گفته شود به آنها بیایید بسوی آنچه نازل کرد الله و بسوی رسول، بینی

الْمُنْفِقِينَ يَصْلُوْنَ عَنْكَ صُدُّودًا٦١ فَكَيْفَ إِذَا آتَاهُمْ

منافقین را باز میدارند از تو با باز داشت * چطور اگر اصابات کند آنها را

مُصِيبَةٌ لَّمَّا قَلَّ مَتُّ أَيْدِيهِمْ شَهَادَةً وَكَيْمَلِفُونَ قِيلَ اللَّهُ

المصیبیتی به آنچه اقدام کرد دستهای آنها باز می آیند بتو حلف کنان به الله

إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا إِحْسَانًا وَتَوْفِيقًا٦٢ أُولَئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا

"نداشتیم اراده إلا احسان و توفیقی" * آنها اند کسانیکه دارد علم الله آنچه

فِي قُلُوبِهِمْ فَاعْرِضْ عَنْهُمْ وَعِظُّهُمْ وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنفُسِهِمْ

در قلبها آنهاست. بکن اعراض از آنها و وعظ کن با آنها و بگو با آنها راجع بنفس آنها

قُولًا يَكِيدُغًا ۝ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ

سخن بليغ.^١* نكريم ارسال کدام رسولی إلا که شود اطاعت ازاو به اذن الله.

وَلَوْ أَنَّهُمْ أَذْلَمُوا أَنفُسَهُمْ حَاءُوكَ فَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ

و اگر آنها وقتی ظلم کردند نفس خود، میآمدند نزدت و استغفار میکردند به الله

١) بليغ: آشكار، روشن، واضح.

وَالسْتَغْفِرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوْجَدُوا اللَّهَ تَوَابًا رَّحِيمًا ﴿٤﴾ فَلَا

واستغفار میکرد برای آنها رسول، می یافتد الله را تواب رحیم * مگر

وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ

به رب تو، نمیآورند ایمان حتی سازند حکم ترا آنچه مشاجره دارند بین خود

ثُمَّ لَا يَجِدُ وَأَقْرَبُ أَنفُسِهِمْ حَرْجًا مِمَّا فَضَيْطَ وَيُسْلِمُوا

باز نمی یابند در نفسهای خود حرجي برآنچه قضاوت کردی و میشوند تسلیم

تَسْلِيمًا ۝ وَلَوْ أَنَّا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ أَنْ افْتَلُوا أَنفُسَكُمْ أَوْ

تسليم تماماً * و اگر ما مینوشیم برا آنها که قتل کنید نفسهای خود را یا

أَخْرُجُوا مِنْ دِيَارِكُمْ مَا فَعَلُوا إِلَّا قَلِيلٌ مِّنْهُمْ وَلَوْ أَنَّهُمْ

خارج شوید از دیار خود نمیکردند آنرا إلا قلیلی از آنها. و اگر آنها

فَعَلُوا مَا يُؤْعَذِنُونَ بِهِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَشَدَّ تَشْبِيهَتَهُمْ ۝

* میکردند آنچه وعظ شد برا آن میبود بهتر به آنها و اشد تشبیه

وَإِذَا أَلَّا تَهُمْ مِنْ لَدُنْ أَجْرًا عَظِيمًا ٦٧ وَلَهُدَىٰ يُهُمْ حِرَاطًا

و آنگاه میدادیم آنها را از نزد خود اجر عظیمی * و میکردیم هدایت آنها را براه

مُسْتَقِيمًا ٦٨ وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ

مستقیم * و هر که کند اطاعت از الله و رسول باشند آنها با آنانکه

أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّنَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشَّهِداءِ

انعام کرد الله برآنها از انبیاء و شهداء صادقین

وَالصَّالِحِينَ وَحَسْنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا٦٩ ذَلِكَ الْفَضْلُ مِنَ

و صالحین. و احسن باشد آنها رفاقتی * اینست فضل از

اللهٗ وَ كَفِي بِاللهِ عَلِيهِمَا٧٠ يَا يَهُهَا الَّذِينَ أَهْمَوْا خُلُّ وَاحْدَادَكُمْ

الله. و کافیست که الله باشد علیم * يا ای کسان با ایمان بگیرید حذر^۱ خودرا

فَإِنْفِرُوا إِثْمَاتِ أَوْ انْفِرُوا جَمِيعًا٧١ وَ إِنَّ مِنْكُمْ لَمَنْ لَيَبْطِئَنَّ

و بروید گروه گروه يا بروید جمیعاً * و از شماست آنکه می بیند پله را

۱) حذر: آمادگی، تدبیر، احتیاط، سنجش، به حق پیاده کردن و بکار بردن همه وسایل برای جهاد.

فَإِنْ أَصَابَتْكُمْ مُّصِيبَةٌ قَالَ قَدْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ إِذْلِكُمْ

اگر اصابت کرد بشما مصیبیتی گوید البته نعمت کرد الله برمن که نه

أَكُنْ مَعَهُمْ شَهِيدًاٖ ۝ وَلَكُنْ أَصَابَكُمْ فَضْلٌ مِّنَ اللَّهِ

بودم همای آنها شهید * و اگر اصابت کند بشما فضل از جانب الله

لِيَقُولَنَّ كَانَ لَمْ يَكُنْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مَوَدَّةٌ يُلْيِدُنَّ كُنْتُ

میگوید ؟ مثلیکه هیچ نبود بین شما و بین او دوستی ؟ "ای کاش میبودم

مَعْهُمْ فَأَفْوِزَ فُوزًا عَظِيمًا ۚ فَلِيُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ

هم راى آنها ميشدم کامیاب بکامیابی عظیم" * بکند قتال فی سبیل الله آنانکه

يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ

میفروشند حیات دنيا برای آخرت. و هر که کند قتال فی سبیل

اللَّهِ فَيُقْتَلُ أَوْ يُغْلَبُ فَسُوفَ نُؤْتِيَ أَجْرًا عَظِيمًا ۖ وَ

الله و شود قتل يا شود غالب، بزودی میدهیم اورا اجر عظیم * و

مَا لَكُمْ لَا تُقْاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ

چیست بشما که نمیکنید قتال از سبیل الله و کسان ضعیف

الرِّجَالُ وَالنِّسَاءُ وَالْوُلُودُ إِنَّ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبُّنَا أَخْرِجْنَا

مردان و زنان و اولادهای ایشان که میگویند رب ما خارج کن مارا

مِنْ هَذِهِ الْقُرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيَأْ

از این قریه که ظالم است اهل آن. و بساز بما از جانب خود ولی

وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا ۝ الَّذِينَ أَمْنُوا يُقَاتِلُونَ

و بساز بما از جانب خود نصيري. * كسان با ايمان ميكنند قتال

فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الظَّاغُوتِ

في سبيل الله. و كسان كافر ميكنند قتال في سبيل طاغوت

فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَنِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَنِ كَانَ ضَعِيفًا ۝

* پس قتال کنید اولیاء شیطان را. يقیناً کید شیطان است ضعیف

أَكْمَلَ رَبُّ الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيهِمْ وَأَقْيَمُوا الصَّلَاةَ

آیا ندیدی بسوی آنانکه گفته شد بآنها بازدارید دستان^۱ خودرا و قائم کنید صلات را

وَأَتُوا الزَّكُوَةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُمْ

و بدھید زکات. وقتی مکتوب شد برآنها آنگاه فرقه از آنها

يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا رَبُّنَا

میترسند از مردم مثل ترس از الله يا شدیدتر ترسی. و گویند رب ما

۱) بگیرید دست یا بکشید دست از جنگ و مخالفت وغیره.

لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا أَخْرَجْنَا إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ ط

چرا مكتوب کردى بrama قتال را. چرا ندادى تأخير بما الى اجل قریب.

فُلُّ مَتَاعِ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقَى فَوَ

بگو متاع دنيا است قليل. و آخرت است بهتر بهركه تقوا دارد. و

لَا تُظْلِمُونَ فَتِيلًا ۚ ۗ أَيْنَ مَا كُنُوكُنُوا إِذْ رَكِعُوكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ

نشودظلم بشما فتيله^١* هرجا باشيد ميكند پيدا شمارا موت ولو باشيد

١) فتيله: تارباريك ميزابه خسته خرما. (فتيله چراغ)

فِي بُرُوجٍ مُشَيَّدٍ طَوَّانٌ تُصِبُّهُمْ حَسَنَةٌ يَقُولُوا هُنَّا مِنْ

در بروج مشیده.^۱ و اگر شود نصیب آنها خوشبختی میگویند اینست از

عِنْدِ اللَّهِ وَإِنْ تُصِبُّهُمْ سَيِّئَةٌ يَقُولُوا هُنَّا مِنْ عِنْدِكَ

نzd الله. و اگر شود نصیب آنها بد بختی میگویند اینست از باعث تو.

فَلْ كُلُّ مَنْ عِنْدِ اللَّهِ فَمَا لِهُؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَا يَكَادُونَ

بگو کل است از جانب الله. پس چه شده این قوم را که نمی توانند

۱) بروج مشیده: قصرها و حصارهای مستحکم و بلند. "آسمان خراش ها"

يَفْقَهُونَ حَدِيثًا ۝ مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَاتِ فِيمَنَ اللَّهُ وَمَا

بفهمند حدیثی * آنچه شد نصیبت از حسنہ از جانب الله است و آنچه

أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَاتِ فِيمَنْ نَفْسِكَ طَوَّرْتَهُ وَأَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا

شد نصیبت از بدی از نفس است. و ارسال کردیم ترا بمردم رسول.

وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا ۝ مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ

و کافیست که الله باشد شهید * هر که کند اطاعت به رسول البته اطاعت کرد بالله.

وَمَنْ تَوَلَّ فِي أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَفِظًاٖ وَيَقُولُونَ طَاعَةٌ

وهر که روگشتاند، پس نکردیم ارسال ترا برأها حفیظ. * و میگویند "اطاعت".

فَإِذَا بَرَزُوا مِنْ عَنْدِكَ بَيْتَ طَائِفَةٍ مِّنْهُمْ غَيْرُ الَّذِي

باز وقتی برخیزند از نزدت شب نشینند طائفه از آنها مغایر آنچه

تَقُولُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا يَبْيَسُونَ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى

میگوئی. و الله مینویسد برآنچه شب نشینند. بکن اعراض از آنها و توکل کن بر

اللَّهُ وَكَفِيْ بِاللَّهِ وَكِيلًاٖ ٨١ أَفَلَا يَتَكَبَّرُونَ قُرْآنًا طَوْلَوْكَانَ

الله. وكافيست که الله باشد وكیل * آیا چرا نمیکنند تدبر بر قرآن. و اگر میبود

مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ كَوَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا٦٢ وَإِذَا جَاءَهُمْ

از جانب غیر الله می یافتند در آن اختلاف کثیر * وقتی بیآید بآنها

أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوِ الْخُوفِ أَذَا عَوَابِهِ طَوْلَوْرَدُوهُ إِلَى الرَّسُولِ

امری از امن یا خوف کنند شایع آنرا. و اگرمی سپردند آنرا به رسول

وَإِلَيْ أُولَى الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِيهِ الَّذِينَ يُسْتَأْنِبِطُونَكُمْ مِنْهُمْ

و به اولی الامر خود، میکرد معلوم آنرا کسان استنباط کننده آن از ایشان.^۱

وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ لَا تَبْعَثُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا

و اگر نمیبود فضل الله برشما و رحمت او میکردید متابعت بشیطان الا

قَلِيلًا^{۸۳} فَقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُكَلِّفُ إِلَّا نَفْسَكَ وَحْرِضِ

قلیلاً * بکنید قتال في سبیل الله. نشده ئی مکلف إلا بنفس خود و تشویق کن

۱) تا رسول ﷺ یا اولی الامر حقیقت را معلوم کرده از شایعات (propaganda) جلوگیری میکردند.

الْمُؤْمِنِينَ هُوَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَكُفَّ بَأْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا طَوَّا اللَّهُ

مؤمنین را. شاید الله کند خاموش جنگ کسان کافرا. و الله است

أَشَدُّ بَأْسًا وَأَشَدُ تَنْكِيلًا ۝ مَنْ يُشْفَعُ شَفَاَةً حَسَنَةً يَكُونُ

اشد در جنگ و اشد در تنکیل^۱* هر که شفاعت کند شفاعت حسن، میرسد

لَهُ نَصِيبٌ مِّنْهَا وَمَنْ يُشْفَعُ شَفَاَةً سَيِّئَةً يَكُونُ لَهُ كِفْلٌ

اورا نصیب ازان و هر که شفاعت کند شفاعت بد، میرسد او را پیمانه

۱) تنکیل(نکول): باز داشتن، جزا دادن، مثال ساختن، زنجیر و زولانه کردن، بنده گرفتن، عقوبت.

مِنْهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ مُّعِينٌ^{٨٥} وَإِذَا حِسِّيْتُمْ بِتَحْيَيَةٍ فَجِئُوا

ازآن. و هست الله بر كل شيء مقتدر * گرتحیت شدید بتحیتی دهید تحیت

بِأَحْسَنِ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا^{٨٦}

* احسنتر ازان يا جوابش. ^١ يقيناً الله است بر كل شيء حبيب

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ طَلِيجَمَعَكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ لَا رَيْبَ فِيمَا

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ. میکنیم جمع شمارا به بیوم قیامت، نیست شک در آن.

١) بمقابل "اسلام عليکم" بگوئید "اسلام عليکم و رحمت الله" يا اقلًا بالمثل سلام دهید.

وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيبَةً^{٨٧} فَمَا لَكُمْ فِي الْمُتَفَقِّيْنَ

و کیست صادق از الله در حدیث * و چه شده شما را نسبت منافقین

فِئَتَيْنِ وَاللَّهُ أَرْكَسَهُمْ بِمَا كَسَبُوا أَتْرِيدُونَ أَنْ تَهْدُوا مَنْ

دو گروه شدید و الله نگون کرده آنها را بنا بر کسب آنها. آیدارید اراده که کنید هدایت آنرا

أَخْلَقَ اللَّهُ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَلَنْ تَجْعَلَ لَكَ سَبِيلًا^{٨٨} وَدُّوا

که گمراه کرد الله. و هر کرا گمراه کرد الله نمی یابی برایش سبیلی * میخواهد

لَوْ تَكُفُّرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُوُنُونَ سَوَاءً فَلَا تَتَخِذُ وَالْمِنْهُمْ

که شوید کافر چون کافر شدند تا شوید نکنید اخذ یکسان، از آنها

أَوْ لِيَاءَ حَتَّىٰ يُهَا جِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلُّوْا فَخُذُوهُمْ

اولیاءٌ حتیٰ کنند مهاجرت فی سبیل الله. و اگر برگشتند بگیرید آنها را

وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدُّتُمُوهُمْ وَلَا تَتَخِذُ وَالْمِنْهُمْ وَلِيَاءً

و قتل کنید آنها را هرجا ولی و نکنید اتخاذ از آنها یافتد آنها

لَا نَصِيرًا ﴿٤٩﴾ إِلَّا الَّذِينَ يَحِلُّونَ إِلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ

نه نصیری * إلا آنانکه دارند وصلت با قومیکه بین شما و بین آنهاست

مِيشَاقٌ أَوْ جَاءُوكُمْ حَرَثٌ صُدُورُهُمْ أَنْ يُقَاتِلُوكُمْ أَوْ يُقَاتِلُوْا

میشاقی، يا میآیند نزد شما در حصر^۱ دلهای آنها که کندقتال باشما یا کندقتال

قَوْمٌ هُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَسَلَطَهُمْ عَلَيْكُمْ فَلَقْتَلُوكُمْ فَإِنْ

با قوم خود. و اگر میخواست الله میکرد سلط آنها را بر شما باز میکردند قتال باشما. اگر

۱) در تنگنا بوده، در مضيقه بوده. (حصار شده)

اعْتَزَلُوكُمْ فَلَمْ يُقْاتِلُوكُمْ وَأَلْقَوْا إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَا فَيَأْجَعَلُ

اعتزال^١ میکنند و نمیکنند قتال باشما و میاندازند بشما سلام بازنساخته

اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا^{٩٠} سَتَجْدُونَ أَخْرِيْنَ يُرِيدُونَ أَنْ

الله بشما عليه آنها کدام راهی * زود میابید دیگرانیکه دارند اراده تا

يَا مُنُوكُمْ وَيَا مُنُوا قَوْمَهُمْ كُلُّمَا رُدُّوا إِلَى الْفِتْنَةِ أَرْكَسُوا فِيهَا

کند ممنون شمارا و کند ممنون قوم خودرا. هر بار موافقه شوند به فتنه میافتد در آن

١) اعتزال: جدائی، شیعه، دست بردارشدن، امتناع ورزیدن.

فَإِنْ لَمْ يَعْتَزِلُوكُمْ وَيُلْقُوَا إِلَيْكُمُ السَّلَامَ وَيَكْفُوا أَيْدِيهِمْ

پس اگر نکردند اعتزال از شما و نیانداختند بشما سلام و نشندند دستبردار

فَخُذُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقِعُونُهُمْ وَأُولَئِكُمْ جَعَلْنَاكُمْ

بگیرید آنها را وقتل کنید آنها را هرجا یافتد آنها را. و آنها اند که ساختیم برای شما

عَلَيْهِمْ سُلْطَنًا مُّبِينًا ٩١ وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يُقْتَلَ مُؤْمِنًا إِلَّا

علیه آنها سلطه آشکار * و نیست جایز برای مؤمن که قتل کند مؤمنی را إلا

خَطَّافٌ وَمَنْ قُتِلَ مُؤْمِنًا خَطَّافًا فَتَحْرِيرُ رَقْبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ

بخطا. و هر که قتل کند مؤمنی را بخطا باید آزاد کند رقبه^۱ مؤمن را و دیه^۲

مُسَلَّكَةٌ إِلَى أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصْدَقُوا فَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوًّا

مسلم بدهد برای اهل او إلا که صدقه کنند آنها. واگر باشد از قوم دشمن

لَكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقْبَةٍ مُؤْمِنَةٍ طَوَافٌ كَانَ مِنْ قَوْمٍ

شما و او باشد مؤمن پس باید آزاد کند رقبه مؤمن را. و اگر باشد از قومیکه

۱) رقبه: گردن غلام یا اسیر.
۲) دیه: پول یا مال برای جبران قتل وغیره، توان. (فديه)

بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِّيقَاتٌ فَلِيَهُ مُسْلِمَةٌ إِلَى أَهْلِهِ وَتَحْرِيرٌ

بین شما و بین آنهاست میثاقی باز دیه مسلم بدهد برای اهل او و آزاد کند

رَقَبَةٌ مُؤْمِنَةٌ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِبَارًا مُشَهْرِينِ مُتَابِعِينِ

رقبه مؤمن را. و هر که نه یابد پس روزه گیرد دو ماه پیهم،

تَوْبَةً مِنَ اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا حَكِيمًا ۝ وَمَنْ يَقْتُلُ مُؤْمِنًا

توبه باشد از جانب الله. و هر که کند قتل مؤمنی را

مُتَعِّدًا فِي جَرَأَوْهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ

متعمداً باز جزاء اوست جهنم خلد میکند آنجا و غصب الله است براو و

لَعْنَةُ وَأَعْدَلَهُ عَذَابًا عَظِيمًا ۝ يَا يَاهَا الَّذِينَ أَهْنُوا إِذَا ضَرَبُتُمْ

لعت او و ساخته برایش عذاب عظیم * یا ای کسان با ایمان وقتی سفر کنید

فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ

فی سبیل الله کنید تشخیص و نگوئید به آنکه میاندازد بشما سلام،

لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَضَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمٌ

"نیست مؤمن." میحوئید عارض دنیارا مگر نزد الله است غایم

كَثِيرٌ طَّكَذِيلٌ كَذِيلٌ مِنْ قَبْلٍ فَمَنِ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا طَرَائِقَ

کثیر. این چنین بودید از قبل کرد منت الله برشما، بکنید تشخیص . یقیناً

اللَّهُ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَيْرًا ٩٤ لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ

الله همواره برآنچه عمل میکنید خیر است * نیستند یکسان از جمله قاعدون^۱

۱) قاعدون: کسانیکه نرفتند برای قتال، نشستگان، بمقدد خود متکی.

الْمُؤْمِنُونَ عَيْرُ أُولَى الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

مؤمنان که فارغ اند از ضرر، و کسان مجاهد فی سبیل الله

بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ فَضَلَّ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَ

با اموال خود و نفسهای خود. فضیلت داده الله مجاهدین را با اموال ایشان و

أَنفُسِهِمْ عَلَى الْقِعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًاً وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَ

نفسهای ایشان بر قاعدهین درجه ای. و بكل وعده کرده الله حسنات. و

فَضَلَّ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقُعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا^{٩٥} دَرَجَتِ

فضيلت داده الله مجاهدين را بر قاعدين با اجر عظيم * درجات

مِنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا^{٩٦} إِنَّ الَّذِينَ

از جانب او و مفترت و رحمت. و هست الله غفور رحيم * يقيناً آنان را که

تَوَفَّهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمٍ أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيهِمْ كُنْتُمْ قَاتِلُوا كَيْفَا

وفات دهد ملائک که ظالم بودند بر نفسه‌ها خود، میگویند چه شده بود شمارا. میگویند بودیم

مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً

كسان ضعيف در زمين. ميگويند آيا نبود زمين الله وسیع

فَهُمْ جُرُودٌ فَإِنَّمَا يَأْتِيهِمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا^{٩٧}

تا هجرت میکردید آنجا. پس آنها، مأوای آنهاست جهنم. و بد مصیراست *

إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ لَا يُسْتَطِيعُونَ

إلا کسان ضعيف از مردان و زنان و اولادها که ندارند استطاعت

**حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا^{٩٨} فَأُولَئِكَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَعْفُو
عَنْهُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَفْوًا غَفُورًا^{٩٩} وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ**

حیله و نمی یابند هدایت برسیلی * پس آنها، شاید الله که کند عفو

عَنْهُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَفْوًا غَفُورًا^{٩٩} وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

از آنها. و هست الله عفو کننده غفور * و هر که کند هجرت فی سبیل الله

يَجِدُ فِي الْأَرْضِ مُرْغَمًا كَثِيرًا وَسَعَةً طَوَّرْ وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ

میابد در زمین مراغم^۱ کثیر و با وسعت. و هر که شود خارج از بیت خود

۱) مراغم: مواضع، پناه گاه، جای بود و باش، خاک و سر زمین دیگری برای زندگی.

مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ

مهاجر بسوی الله و رسول او باز میکند پیدا اورا موت آنگاه واقعاً اجر اوست

عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا^{١٠٠} وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ

بر الله. و هست الله غفور رحیم * و هرگاه سفر میکنید در زمین

فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ

آنگاه نیست بر شما گناه اگر کنید قصیر از صلات، اگر خوف داشتید

أَنْ يَعْتَذِرُوكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّكُلْفِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عُدُوًّا مُّضِيَّنًا^{١٠}

که میاندازد بفتنه شمارا کسان کافر. یقیناً کافرین هستند بشما دشمن آشکار *

وَإِذَا كُنْتَ فِي رُمُمٍ فَاقْتُمْ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلَتُقْعِدُ طَائِفَةً مِّنْهُمْ

وقتی باشی با آنها و قائم کردی برایشان صلات را پس برپا دارند طائفه ازانها

مَعَكَ وَلَا يَخْذُنَّ وَآتَيْلَحَّةَ مُّقْفَدًا سَجَدُوا فَلَمَّا كُوْنُوا مِّنْ وَرَائِكُمْ

همای تو و بگیرند اسلحه خود را. وقتی سجده کردند باز قرار گیرند و رآء شما

وَلْنَاتِ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ يُصَلُّوا قَلِيلٌ صَلَوَامَعَكَ وَلَيَاخْذُونَ

و باید طائفه دیگریکه نخوانند صلات پس بخوانند صلات همراهیت و بگیرند

حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْتَغْفِلُونَ عَنْ

حذر^۱ خود را و اسلحه خود را. میخواهند کسان کافر کاش غافل شوید از

أَسْلِحَتَكُمْ وَأَمْتَعَتُكُمْ فَيَقْبِلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً وَ

اسلحة خود و امتعه خود تا کنند حمله برشما حمله واحد.

۱) حذر: تجهیزات و آمادگی و احتیاط برای هر نوع حمله و خساره.

لَا جَنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ كَانَ بِكُمْ أَذًى مِنْ مَطْرٍ أَوْ كُنْتُمْ مَرْضَى

نیست گناه برشما اگر باشد برشما اذیتی از مطر^۱ یا باشید شما مريض

أَنْ تَضَعُوا أَسْلِكَتُكُمْ وَخُذُوا حِذْرَكُمْ إِنَّ اللَّهَ أَعْدَ لِلْكُفَّارِينَ

که بگذاريid اسلحه خودرا. مگر بگيريد حذر خودرا. يقيناً الله آماده کرده برای کافران

عَذَابًا مُّهِينًا^{۱۰۲} فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَاةَ فَاذْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا

عذاب پرتوهين * پس وقتی ادا کردید صلات را باز ذكرکنيد الله را استاده و نشسته

۱) مطر: خرابی هوا و حالات بد جوی.

وَعَلَى جُنُوبِكُمْ فَإِذَا أَطْمَأْنُتُمْ فَاقْرِبُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ

و بر جنب خويش. وقتی مطمئن شدید باز قائم دارید صلات را. یقیناً صلات

كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْفُونًا^{١٠٣} وَلَا تَهْنُوْرِي ابْتِغَاءَ الْقَوْمِ

هست بر مؤمنین مکتوب^۱ بوقت آن * و نکنید سستی در دنبال قوم.

إِنْ تَكُونُوا مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ فَإِنَّهُمْ يَأْمُونَ كَمَا تَأْمُونُ وَتَرْجُونَ مِنَ

اگر هستید شما درالم پس آنها هم الٰم دارند مثل که شما الٰم دارید. و تمبا دارید شما از

۱) مکتوب شده: فرض شده، نوشته شده، وحی نازل شده، امر صادر شده.

اللَّهُ مَا لَّا يَرْجُونَ طَوْكَانَ اللَّهُ عَلِيهِمَا حَكِيمًا^{١٠٤} إِنَّمَا أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ

الله آنچه ندارند آنها تمنا. و هست الله علیم حکیم * یقیناً ما نازل کردیم بر تو

الْكِتَابِ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَى لَكَ اللَّهُ وَلَا تَكُنْ

کتاب را به حق تا حکم کنی بین مردم بر آنچه نشان داده بتو الله. و نه باش

لِلْخَائِفِينَ خَصِيمًا^{١٠٥} وَ اسْتَغْفِرِ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا

نسبت خائنان در خصوصت * و استغفار کن پیش الله. یقیناً الله است غفور

رَحِيمًاٖ ۚ وَلَا تُجَادِلُ عَنِ الَّذِينَ يَخْتَانُونَ أَنفُسَهُمْ إِنَّ اللَّهَ

رحيم * و نکن مجادله نسبت کسانیکه میکنند خیانت به نفسهای خود. یقیناً الله

لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ خَوَانًا أَتَيْمًاٖ ۚ لَيَسْتَخْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَ

ندارد حب آنرا که هست خائن گناه کار * میدارند مخفی از مردم مگر

لَا يَسْتَخْفُونَ مِنَ اللَّهِ وَهُوَ مَعَهُمْ إِذْ يُبَيِّنُونَ مَا لَا يَرْضَى

نمیدارند مخفی از الله، و اوست باآنها وقتی شب نشینند برآنچه نکند راضی

مِنَ الْقَوْلِ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا يَعْلَمُ حِيطًا ١٦٨ هَذِهِ تُمُّ

(الله را) از گفتار.^۱ و هست الله آنچه میکنند محاط کننده * هستید

هُوَ لَا يُجَادِلُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَمَنْ يُجَادِلُ اللَّهَ

کسانیکه جدال کردید نسبت آنها در حیات دنیا. مگر کی کند مجادله بالله

عَنْهُمْ يَوْمَ الْقِيَمةِ أَمْ مَنْ يَكُونُ عَلَيْهِمْ وَكِيلًا ١٦٩ وَمَنْ يَعْمَلُ

برای آنها یوم قیامت یا که شود برای آنها وکیل؟ * وهر که کند عمل

۱) بَيْتٌ: شب نشینی، شبانه مشوره، شبانه دسیسه. (مکر آنها برای متهم ساختن یهودی و برای فریب دادن رسول الله ﷺ بود)

سُوءًا وَيُظْلِمُ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرُ اللَّهَ يَجِدُ اللَّهَ غَفُورًا رَّحِيمًا ⑪٠

بد يا کند ظلم نفس خود باز کند استغفار به الله، میابد الله را غفور رحیم *

وَمَنْ يَكْسِبْ إِثْنَا فَإِثْنَاهَا يَكْسِبْهُ عَلَى نَفْسِهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا

و هر که کند کسب گناهی فقط کسب کرده آنرا علیه نفس خود. و هست الله علیم

حَكِيمًا ⑪١ وَمَنْ يَكْسِبْ خَطِيئَةً أَوْ إِثْنَاهَا يَرْمِيهِ بِرِيعًا فَقَدِ

حکیم * و هر که کند کسب خطای یا گناهی باز کند متهم بر آن بیگناهی را البته

اَحْمَلَ بُهْتَانًا وَ اِنْتَ اَمْبِينَ^{١١٢} وَ لَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَ رَحْمَتُهُ

میکند حمل بهتان و گناهی آشکار^۱* واگر نمیبود فضل الله برتو و رحمت او

لَهُمْتُ طَائِفَةً مِنْهُمْ اَنْ يُضْلُوكَ وَ مَا يُضْلُونَ إِلَّا نُفْسُسُهُمْ

همت میکرد طائفه از آنها که گمراه کنند ترا. و نمیکنند گمراه إلا نفشهای خودرا

وَ مَا يَضْرُونَكَ مِنْ شَيْءٍ وَ اَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَبَ وَ الْحِكْمَةَ

و نمیرسانند ضرر بتو کدام شیئ. و نازل کرد الله برتو کتاب و حکمت را

۱) این آیت هم راجع باان شخص است که دزدی کرد باز یک یهودی را متهم ساخت.

وَعَلِمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا^{۱۳۲}

* و تعليمت داد آنچه نداشتی علم. و هست فضل الله برتو بس عظيم

لَا خَيْرٌ فِي كَثِيرٍ مِّنْ نِجَارِهِمُ الَّذِينَ أَمْرَبْصَدَ قَلَّةً أَوْ مَعْرُوفٍ

نيست خیر در کثیر از نجوا آنها الا آنکه امر کند به صدقه و معروف

أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءً مَرْضَاتٍ

و اصلاح بین مردم. و هر که کند فعل اینسان در طلب رضایت

اللَّهُ فَسَوْفَ نُوَعِّتُهُ أَجْرًا عَظِيمًا^{١٤} وَمَنْ يُشَارِقِ الرَّسُولَ مِنْ

الله پس زود دهیم اورا اجر عظیم * و هر که کند شقاوت با رسول از

بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعُ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُولَّهُ

بعد آنکه آشکار شد برایش هدایت و کند متابعت غیر سبیل مؤمنین را، میسپاریم اورا

مَا تَوَلَّ وَنَصِّلِهِ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا^{١٥} إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ

بانکه تکیه کرده و کند وصلش بجهنم. و بد مصیر است * یقیناً الله نکند مغفرت

أَن يُشْرِكَ بِهِ وَيَعْفُرْ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَن يَشَاءُ طَوْمَانٌ وَمَن يُشْرِكَ

که کند شریک^۱ به او و کند مغفرت مادون آنرا بهر که خواهد. و هر که کند شرک

بِاللهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا^{۱۶} إِن يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ

با الله البته گمراه شد به گمراهی بعید * نمیکنند دعا بجائی او

إِلَّا إِنثًا وَإِن يَدْعُونَ إِلَّا شَيْطَانًا مُرْبِدًا^{۱۷} لَعْنَةُ اللهُ وَقَالَ

إِلَّا انث را. و نمیکنند دعا إِلَّا شیطان متمرد را * لعنت کرده براو الله. و گفت

۱) شرک با الله مثل آن است که بر حق چیزی دیگری اضافه یا علاوه شود.

لَا تَنْخِذَنَّ مِنْ عِبَادِكَ نَصِيبًا مَفْرُوضًا^(١) وَلَا خِلْفَةَ هُمْ وَ

كَه میگیرم از عباد تو حصة مقرری * و میکنم گمراه آنهارا و

لَا مِنْدَتَهُمْ وَلَا مَرْنَهُمْ فَلَيَبْتَكِنْ أَذَانَ الْأَنْعَامِ وَلَا مَرْتَهُمْ

میسازم متمنی آنهارا و میکنم امر آنهارا تا شگافند آذان^١ موashi را و میکنم امر آنهارا

فَلَيُغَيِّرُنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَمَنْ يَتَخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيَأْمُونَ دُونِ

تا تغییر دهدن خلق الله را. و هر که اتخاذ کرد شیطان را ولی خود به جای

(١) آذان: گوشها. "شگافتن یا قطع گوشهای موashi" شگون بود. تغییر دادن نموطبعی مخالف زیائی فطری است.

اللَّهُ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُّبِينًا^{١١٩} يَعِدُهُمْ وَيُمَكِّنُهُمْ وَمَا

الله البتہ خساره کرد خساره آشکار. * دهد وعده آنهارا و سازد متمنی آنهارا. و نه

يَعِدُهُمُ الشَّيْطَنُ إِلَّا غُرُورًا^{١٢٠} أُولَئِكَ مَا وَلَهُمْ جَهَنَّمُ وَلَا

دهد وعده آنهارا شیطان الا غرور^١ آنها، مأوا آنهاست جهنم. و نمی

يَجِدُونَ عَنْهَا حَيْصًا^{١٢١} وَالَّذِينَ امْنَوْا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

یابند از آن گریزی * و کسان با ایمان و اعمال صالح را

۱) غرور: شیطان، راه غلط، دروغ، گمراهی.
۲) مأوا: مسکن، جای بودباش

سُنْدُخِلُّهُمْ جَلَّتِ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَلِيلِينَ فِيهَا

میکنیم داخل آنهارا بجنات، دارد جریان از تحت آن انهار خلد میکنند آنها

إِبْدَأَ أَطْوَعَدَ اللَّهُ حَقًا وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا^{۱۳۲} لَيْسَ

برای ابد. و عده الله است حق. و کیست صادق تر از الله بقول * نیست

بِمَا مَأْنَى كُمْ وَ لَا أَمَانِيٌّ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ يَعْمَلْ وَ سُوءَ إِيمَانِهِ لَا وَ

به تمنیات شما و نه تمنیات اهل کتاب. هر که کند عمل بد بیند جزا برآن و

لَا يَجِدُ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا^(١٣٣) وَمَنْ يَعْمَلُ

نمی یابد او بدون الله ولی ای و نه نصیری * و هر که کند عمل

مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَكُونُونَ خَلُوقَنَ

از صالحات خواه مذکر یا مؤنث و باشد مؤمن پس آنها میشوند داخل

الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا^(١٣٤) وَمَنْ أَحْسَنَ دِينًا مِّنْ أَسْلَمَ

جنت و نشود ظلم بر آنها نقیری^۱ * و که دارد احسن دینی از آنکه کرد تسلیم

۱) نقیر: حال خسته خرما یا مقداری که در میزابه (ناوه یا نابه) خسته خرما بگنجد.

وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ حُسْنٌ وَالثَّبَرَ مَلَةُ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَاتَّخَذَ

وجه خود را به الله و او محسن باشد و متابعت کند ملت ابراهيم حنيف را؟ و اتخاذ کرد

اللَّهُ أَبْرَاهِيمَ خَلِيلًا^{١٢٥} وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ

الله ابراهيم را خليل * و از الله است آنچه در سماوات و آنچه در زمين.

وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا^{١٢٦} وَيَسْتَغْفِرُونَكَ فِي النِّسَاءِ قُلْ

و هست الله كل اشياء را احاطه کننده * و میخواهند فتوی از تو راجع به نساء. بگو

اللَّهُ يُغْنِي كُمْ فِيهِنَّ لَا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَبِ فِي يَوْمَئِ

الله دهد فتوی بشما راجع بآنها و آنچه تلاوت شد بشما در کتاب راجع بیتیم

السَّلَامُ اللَّهُ لَا تُؤْتُونَهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَتَرْغِبُونَ أَنْ

زنانی که نمی دهید آنها را آنچه مکتوب شده برای آنها؛ و دارید رغبت که

تَنْكِحُوهُنَّ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الْوِلَدَانِ لَا وَأَنْ تَقْوَمُوا

کنید نکاح آنها را؛ و هم ضعیف کرده شدگان از کودکان را، که باید کنید قیام

لِلْيَتَمِّي بِالْقِسْطِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ حَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِهِ

برای یتیمان منصفانه. و آنچه میکنید فعل از خیر، یقیناً الله هست برآن

عَلَيْهِمَا ۝ وَإِنْ امْرَأٌ ظُحَافَةٌ مِنْ بَعْدِهِمَا نُشُوْزًا أَوْ إِعْرَاضًا

علیم * و اگر زنی خوف دارد از شوهرش جبر و ستم یا کدام اعراض

فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلحًا وَالصُّلُحُ خَيْرٌ

نیست گناه برآنها که آرند صلح بین خود صلحی. و صلح است بهتر.

وَأُخْرِجَتِ الْأَنْفُسُ الشَّرَّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَقُوَا فَإِنَّ اللَّهَ

و شده حاضر بر نفسها حرص. و اگر کنید احسان و تقوا کنید بیقین الله

كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا^{١٦٩} وَلَكُمْ سُتُّ طِيعَوَا إِنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ

هست برآنچه میکنید عمل بس خبیر * و ندارید استطاعت که کنید عدل بین

النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمَيْلِ فَتَذَرُّوهَا

زنان و لو حرص کنید مگر نکنید تمایل کل میل را که بگذارید آنهارا

كَالْمُعْلَقَةِ وَإِنْ تُصْلِحُوا وَتَسْعُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا^{۱۰۹}

طور معلق. و اگر صلح کنید و تقوا کنید بیقین الله است غفور رحیم*

وَإِنْ يَتَعَرَّقَا يُغْنِي اللَّهُ كُلُّاً مِّنْ سَعْيِهِ وَكَانَ اللَّهُ وَاسِعًا

و اگر شدند متفرق دهد غنی الله کل را از وسعت خود. و هست الله بس واسع

حَكِيمًا^{۱۱۰} وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَقَدْ وَصَبَّنَا

حکیم * واژ الله است آنچه در سمایات و آنچه در زمین. و البته وصیت کردیم

الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَبَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تَقُولُوا اللَّهُ طَوْلَانُ

بانانکه داده شده بودند کتاب از قبل شما و بشما که تقوا کنید بالله. و اگر

تَكُفُّرُوا فَإِنَّ اللَّهَ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ

کردید کفر بیقین از الله است آنچه در سماوات و آنچه در زمین. و هست الله

غَنِيًّا حَمِيدًا ۝ وَإِنَّ اللَّهَ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى

غنى حميد * و ازالله است آنچه در سماوات و آنچه در زمین. وكافیست

بِاللَّهِ وَكِيلًاٖ إِنْ يَشَاءُ يُذْهِبُكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ وَيَأْتِ بِآخَرِينَ^{١٣٤}

الله که باشد و کیل * اگر خواهد میکند محوشما را ای مردم و میآورد دیگرانرا.

وَكَانَ اللَّهُ عَلَى ذَلِكَ قَدِيرًاٖ مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا^{١٣٥}

و هست الله بر این قادر * هر کرا باشد اراده ثواب دنيا

فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا بَصِيرًا^{١٣٦}

* بنزد الله است ثواب دنيا و آخرت. و هست الله سمیع بصیر

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُوْنُوا قَوَّا مِنْ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءِ اللَّهِ

يا اي کسان بايمان باشيد شاهدان برای الله
انصاف، قائم کندگان

وَلَوْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَوْ الْوَالِدَيْنِ وَالآقْرَبَيْنِ إِنْ يَكُنْ عَنْتِيْمَا

ولو عليه نفشهای شما يا والدين و اقارب باشد. اگر باشند غنی

أَوْ فَقِيرًا فَإِنَّ اللَّهَ أَوْلَى بِهِمَا فَلَا تَتَبَعِّدُوا عَنِ الْهُوَى أَنْ تَعْدِلُوا

يا فقیر بازهم الله است اولی برآنها. نکنید متابعت هواخواهی تا عدول کنید.

وَلَنْ تَلُوا أَوْ تُعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا^{١٣٥}

* و اگر تحریف دهید یا کنید اعراض بیقین الله هست برآنچه میکنید عمل خبیر *

يَا يَاهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا يُنَزَّلُ لِهِ وَالْكِتَابُ الَّذِي

يَا اى کسان با ایمان بیارید ایمان بر الله و رسول او و کتابی که

نَزَّلَ عَلَى رَسُولِهِ وَالْكِتَابُ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلِهِ وَمِنْ

نازل شده بر رسول او و کتابی که نازل شده از قبل آن. و هر که

يَكُفُرُ بِاللَّهِ وَمَلَكِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ

کند کفر به الله و ملا ئک او و کتب او و رُسل او و یوم آخرت بیقین

ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًاٖ ۝ إِنَّ الَّذِينَ أَمْنَوْا ثُمَّ كَفَرُوا شُرَكَاءَ

گم راه شده بگمراهی بعید * یقیناً آنانکه ایمان آرند باز کافر شوند باز

أَمْنَوْا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ أَزْدَادُوا كُفْرًا لَمْ يَكُنْ اللَّهُ لِيغُفرَ لَهُمْ

ایمان آرند باز کافر شوند باز از دیاد کند بکفر، نمیشود که الله کند مغفرت آنهارا

وَلَا يَلْهُدُنِي هُمْ سَبِيلًا^{١٣٧} بِشَرِّ الْمُنْفَقِينَ فَإِنَّ لَهُمْ عَذَابًا

و ندهد هدایت آنهارا به سبیلی. * بشارت دهید بمناقفان که هست برایشان عذاب

أَلِيمًا^{١٣٨} إِنَّ الَّذِينَ يَتَخَذُونَ الْكُفَّارِ إِنَّمَا مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ

الایم * آنانکه میگیرند بجای اولیاء کافران را مؤمنان.

أَيْتَنَعُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا^{١٣٩} وَقَدْ نَزَّلَ

آیا میجویند نزدانها عزت بیقین عزت نزد الله است جمیعاً. * و البته نازل شد

عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَبِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمُ آيَاتِ اللَّهِ يُكَفِّرُهُمَا وَيُسْتَهْزِئُهُمَا

برشما در کتاب که هرگاه میشنوید آیات الله را که میشود تکفیر و استهزاء

بِهَا فَلَا تَقْعُدُ وَأَمْعَهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَلِيلٍ يُثِيرُهُمْ

برآن باز نشینید همراهی آنها حتی شوند مشغول در حدیث دیگری.

إِنَّكُمْ إِذَا مِثْلُهُمْ مُّطَあَ اللَّهُ جَامِعُ الْمُنْفِقِينَ وَالْكُفَّارُ إِنَّمَا

میباشد آنگاه مثل آنها. یقیناً الله است جمع کننده منافقان و کافران در جهنم

جَمِيعًا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ صُنْوَنَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فَتْرَهُ مِنَ اللَّهِ

جَمِيعًا * آنانکه بودند نگران بشما. هرگاه باشد بشما فتح از الله

قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكُفَّارِ إِنْ حِسِيبٌ لَا قَالُوا أَلَمْ

گویند آیا نبودیم باشما و اگر باشد بکافران نصیبه گویند آیانه

نَسْتَحِوذُ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعُكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ

بودیم مستولی برشما، و بودیم مانع شما از مؤمنان. و الله میکند حکم بین شما

يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَكُمْ يَجْعَلُ اللَّهُ لِلْكُفَّارِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا^{٤٤}

* يوم قيامت. و نه ساخته الله برای کافران عليه مؤمنان راهی *

إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخْرِجُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعٌ عُهُمْ وَإِذَا قَاتَلُوكُمْ إِلَى

يقیناً منافقین میکنند خدع^١ با الله مگر اوست خادع آنها. وقتی اقامه کنند برای

الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَىٰ لَا يَرَأُونَ النَّاسَ وَلَا يَذَكُّرُونَ اللَّهَ

صلات، اقامه کنند بكسالت، ریاء کارانه برای مردم و نمی کنند ذکر الله را

(١) خدع: فریب

إِلَّا قَلِيلًاٖ ۝ مَذَبْذَبٌ بَيْنَ ذُلْكَ ۝ لَا إِلَى هَوْلَاءِ وَلَا إِلَى

إِلَّا قَلِيلٌ * مذبذب هستند بين اين. نه با اينها اند و نه با

هَوْلَاءِ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًاٖ ۝ يَا يَا

اینها. و هر که را کند گمراه الله باز نمی یابد برای خود راهی * یا ای

الَّذِينَ أَهْنُوا لَا تَتَخَذُوا الْكُفَّارِيْنَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِيْنَ

کسان با ايمان نکنيد اتخاذز بجای اولیاء خود کافران را مؤمنان.

أَتُرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا إِلَهًا عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُّبِينًا^{٤٤} إِنَّ الْمُنْفَقِينَ

آیا اراده دارید که بسازید برای الله عليه خود حجت آشکار * یقیناً منافقین

فِي الدَّرْكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَكُمْ تَحْدِيدُ لَهُمْ نَصِيرًا^{٤٥} إِلَّا الَّذِينَ

در درک پائینترین از آتش اند. و نمی یابی برای آنها نصیری * لا کسانیکه

تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَاعْتَصُمُوا بِاللَّهِ وَأَخْلَصُوا دِينَهُمْ لِلَّهِ فَإِنَّكَ

توبه کردند و اصلاح شدند و معتصم شدند به الله و خالص ساختند دین خود را برای الله، آنها اند